

پایه گذاران نثر جدید فارسی

حسن کامشاد



نشرنی

فهرست مطالب

۱۱	یادداشت نویسنده
۱۳	پیش‌گفتار

بخش یکم

۱۹	۱. پیش‌زمینه تاریخی
۲۰	دوره سامانیان
۲۱	دوره غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان
۲۳	دوره مغولان و تیموریان
۲۴	دوره صفویان
۲۷	۲. قاجار و اصلاحات (۱۲۱۰-۱۳۴۴.ه.ق)
۳۲	۳. تجدید حیات نثرنویسی
۳۲	قائم‌مقام فراهانی
۳۳	امیرکبیر
۳۴	میرزا ملکم‌خان
۳۶	عبدالرحیم طالبوف

۳۸	۴. در آستانه انقلاب
۳۸	سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیک
۴۳	ترجمه حاجی‌بابای اصفهانی
۵۳	نخستین ترجمه‌ها
۵۵	نخستین روزنامه‌ها
۵۸	۵. انقلاب مشروطیت
۶۳	ادبیات انقلاب
۶۵	مطبوعات و شاعران
۶۶	علی‌اکبر دهخدا
۷۱	۶. زمان تاریخی
۷۴	محمدباقر خسروی
۷۷	شیخ موسی نثری
۷۸	حسن بدیع
۷۹	صنعتی‌زاده کرمانی
۸۴	دیگران
۸۸	۷. پادشاهی رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰)
۹۳	۸. نخستین نویسندگان دوران رضاشاه
۹۴	مشفق کاظمی
۹۶	عباس خلیلی
۹۷	ربیع انصاری
۹۹	۹. نویسندگان بعدی دوران رضاشاه
۱۰۱	جهانگیر جلیلی
۱۰۳	محمد مسعود
۱۰۷	علی دشتی
۱۱۳	محمد حجازی
۱۲۹	۱۰. پس از رضاشاه: دوره آزمایش سیاسی (۱۳۲۰-۱۳۴۴)
۱۳۵	۱۱. نویسندگان پس از جنگ
۱۳۷	محمدعلی جمال‌زاده
۱۶۶	۱۲. بزرگ علوی

۱۸۴	۱۳. نویسندگان جوان‌تر
۱۸۴	جلال آل احمد
۱۸۶	صادق چوبک
۱۹۱	به آذین
۱۹۲	تقی مدرسی
۱۹۳	علی محمد افغانی

بخش دوم

۲۰۱	۱۴. صادق هدایت
۲۰۱	سرشناس‌ترین نویسنده ایران جدید
۲۰۸	۱۵. دوره اولیه
۲۱۱	۱۶. دوره آفرینندگی
۲۱۳	فرهنگ عامه و باورهای سنتی
۲۱۴	گشت و گذار در گذشته
۲۱۷	عمر خیام و فلسفه‌اش
۲۲۰	۱۷. زندگی هموطنان
۲۳۳	۱۸. نیشخندها
۲۳۸	۱۹. بوف کور
۲۳۸	درون‌کاوی‌های جنون‌آسا
۲۵۵	بوف کور از دید منتقدان غربی
۲۶۳	۲۰. دوره بی‌حاصل
۲۶۶	۲۱. دوره امیدواری
۲۸۶	۲۲. فرجام
۲۹۱	کتاب‌شناسی
۳۰۱	نمایه

پیش‌زمینه تاریخی

زبان فارسی، به شکل نوشتاری نه‌گفتاری کنونی آن، حدود دو قرن پس از ظهور اسلام و غلبه اعراب بر ایران در نیمه نخست قرن هفتم میلادی (حدود ۲۰ قبل از هجرت تا ۳۰ هجری قمری) به وجود آمد. زبان گفت‌وگوی کشور پیش از آن گویش‌های پهلوی بود که یکی از آنها زبان رسمی دربار ساسانی و موبدان زرتشتی شد. از ادبیات پیش از دوران اسلامی آنچه مانده «ناچیز» نیست.

فارسی جدیدی که پس از فتح اعراب تکوین یافت و از قرن نهم زبان ادبی بزرگی شد تا به امروز بسیار اندک تغییر کرده است. شعر فارسی به‌ویژه بیش از یک‌هزار سال تداوم داشته است؛ این در باره زبان تکلم نیز صدق می‌کند. اما نثرنویسی دگرگونی فراوان به خود دیده است. برای فهم شیوه‌های امروزی نثر فارسی باید نگاهی اگرچه به اجمال به این پیشینه انداخت. در تاریخ طولانی نثر فارسی تا پیش از آغاز مرحله جدید چهار دوره مختلف را می‌توان برشمرد:

عربی بسیار کم دارند.^۱ به‌طورکلی سعی اصلی نویسندگان ظاهراً آن است که مطالبشان را همه‌فهم کنند، از این رو لغات و اصطلاحاتی به کار می‌برند که معاصرانشان با آنها کاملاً آشناوند.^۲

دوره غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان

این دوره، که شامل متجاوز از دویست سال می‌شود، از حیث شمار شاعران، نویسندگان و دانشمندانی که به‌وجود آورد و نیز به سبب کثرت کار ایشان، یکی از درخشان‌ترین دوره‌ها در تاریخ ایران است. نوشته‌های نثر این زمان نیز به همین منوال پاره‌ای از مهم‌ترین متن‌های کهن فارسی را دربرمی‌گیرند.

در این دوره دو سبک، هریک با وجوه ویژه خود، به چشم می‌خورد. یکی سبک سامانی که در بالا شرح داده شد. این سبک در ابتدای دوره جدید تغییر چندانی نیافت، زیرا دربار سلطان محمود غزنوی (۳۸۹-۴۲۱ ه.ق) دانسته الگوهای جاافتاده پیشینیان سامانی را تقلید می‌کرد. استعمال فارسی در کارهای دولتی تشویق می‌شد؛ نوشته‌های دینی و نظری صوفیان به این زبان به قلم می‌آمد و کتاب‌های تاریخ‌نویسان نثر فاخر فارسی را بسی رونق داد.^۳ اما رفته‌رفته که روابط دوستانه غزنویان با خلافت بغداد رو به بهبود نهاد، زبان عربی دوباره تحکیم بخشیده شد. مکاتبات رسمی باز به عربی انجام گرفت. دانشمندان بغداد

۱. دوره سامانی (۲۶۱-۳۸۹ ه.ق)، که ویژگی آن نثر ساده، رسا و موجز و نسبتاً شبیه زبان تحصیل‌کردگان و فرهیختگان امروزی بود؛
۲. دوره غزنوی، سلجوقی و خوارزمی (۳۸۹-۶۲۸ ه.ق)، که با وجود تداوم سبک پیشین، کاربرد بیشتر و بیشتر ترکیبات عربی زبان را مکلف ساخت؛
۳. دوره مغول و تیموری (۶۲۸-۹۱۶ ه.ق)، که تاریخ‌نویسی به اوج رسید ولی نثرنویسی به‌طورکلی تنزل کرد؛
۴. دوره صفوی (۹۱۶-۱۱۴۸ ه.ق)، که منشآت پُر آرایه ترکی و عربی زده مذهبی رونق یافت.

دوره سامانیان

زبان مردم ایران تا مدتی بعد از حمله عرب‌ها همان گویش‌های پیش از اسلام بود. ولی هرچه بر شمار ایرانیان مسلمان افزوده شد، عربی، که باید شعائر دینی و غالب امور دولتی و بازرگانی خود را بدان انجام می‌دادند، بیشتر تداوم یافت. به‌علاوه عربی - برعکس خط پیچیده پهلوی، که خواندن و نوشتنش دشوار بود - الفبایی خوانا و مناسب داشت و پذیرای تأملات ادبی و علمی بود. در نتیجه، در دوره نخست اسلامی، عربی وسیله اصلی نگارش شد و هیچ اثر فارسی ارزنده نثری از این زمان باقی نمانده است.

نهضتی سیاسی و ادبی تقریباً در همین زمان در عهد پادشاهی دودمان‌های نیمه‌مستقل طاهری، صفاری و بیش از همه سامانی آغاز شد. سبک نثرنویسی این دوره بسیار ساده، رسا و هدفمند است. به هماهنگ‌کردن و به اصطلاح سجع دادن عبارات - که در قرن‌های بعدی، به‌طوری‌که خواهیم دید، فراوان باب شد - توجه خاصی نشان داده نمی‌شود. تکرار واژه‌ها و حتی جمله‌ها عیب به‌شمار نمی‌رود. جمله‌ها کوتاه و دقیق‌اند و از اصطلاحات رسمی، علمی و دینی که بگذریم واژه

۱. تاریخ سیستان (تهران، ۱۳۱۴، ص ۲۰۹) و دستور یعقوب لیث صفاری که اشعار در مدح او نباید به زبانی که نمی‌فهمد، یعنی عربی، سروده شود:

«پس یعقوب گفت: چیزی که من اندر نیابم چرا باید گفت؟»

۲. مقاله مفصل ادوارد براون درباره یک تفسیر کهن فارسی قرآن:

«Description of an Old Persian Commentary on the Kuran» published in the *Journal of the Royal Asiatic Society* (July 1894).

۳. آثار مشهور نثر این دوره از جمله عبارت‌اند از: تاریخ بیهقی، تاریخ سیستان، سیاست‌نامه، قابوس‌نامه، مجمل‌التواریخ و القصص، اسکندرنامه و چهارمقاله.